

# شرق شناسی و شریعت اسلامی

صاحب محمد حسین راضی نصاریٰ

ترجمه: احمد ناظم

چکیده: هر چند درباره پدیده «شرق شناسی» دیدگاه های متفاوتی (مثبت و منفی) وجود دارد، اما بدون تردید شرق شناسی، حرکتی پربار در جهت استمرار و پویایی دستاوردهای علمی، فرهنگی، فکری در همه عرصه ها و از جمله موضوع مورد بحث ما یعنی «شرق شناسی و شریعت اسلامی» به شمار می آید. روشن است که هر فعالیت علمی، اگر بر مبنای استوار و راهکارهای مشخص مبتنی باشد، می توان از طریق بررسی اصطلاحات و مطالب نوشته شده درباره آن، به نتایج ملموس دست یافت.

پژوهش حاضر در پی استقرای همه فعالیت ها و پژوهش هایی است که شرق شناسان کشورهای مختلف، طی قرن های متمادی در زمینه شریعت اسلامی (فقه و احکام آن) انجام داده اند. این گونه پژوهش ها نیازمند مطالعه، مراجعه و تحقیقات فراوان است و همین امر بیانگر میزان اهمیت این مطالعات و نیز نقش آن در غنی سازی کتابخانه عربی - اسلامی است. این پژوهش در دو فصل ارائه شده است: فصل اول به معنای لغوی و

اصطلاحی شرق‌شناسی (استشراق)، روند تاریخی آن و مهم‌ترین نظریه‌های مطرح دربارهٔ پیدایش، تحولات و مراحل که پدیده شرق‌شناسی پشت سر گذاشته است، می‌پردازد.

فصل دوم، مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش بحث، یعنی فعالیت‌های شرق‌شناسان را در زمینهٔ شریعت اسلامی دربردارد. در این فصل مهم‌ترین کشورهایی که شرق‌شناسان از آن جا برخاسته‌اند و نیز پژوهش‌های آنان را با توجه به سیر تاریخ آن بررسی و آثار هر یک از آنان را در کنار نامشان ذکر کرده‌ام. البته ادعا نمی‌کنم که به همهٔ آثار و پژوهش‌های موجود در این زمینه دست یافته‌ام؛ زیرا این بحث موضوعی گسترده است و شاخه‌های فراوانی دارد.

برای این که بحث از پشتوانه محکمی برخوردار باشد، بر آن شدم تا فعالیت‌های یکی از این مستشرقان را به عنوان نمونه‌ای ملموس، به طور مشروح ارائه دهم و علت انتخاب و نیز جایگاه علمی او را بر اساس مبانی مشخص علمی و از راه نقد علمی و سازنده تبیین کنم. پس از آن مهم‌ترین نتایج حاصل از بحث را برشمرده و در پایان منابع بحث را نام برده‌ام.

گفتنی است در طی مطالعاتم از منابع و آثار بسیاری بهره گرفتم که بارزترین آنها کتاب «الاستشراق، اثر نجیب العقیقی و منهاج المستشرقین» (مجموعه بحث‌های گروهی از اساتید و پژوهشگران) است. در پایان از خداوند متعال می‌خواهم به ما برای خدمت به شریعت سمحهٔ اسلامی توفیق عنایت فرماید.

### پیشگفتار

شرق‌شناسان از ابتدای ارتباط خود با مشرق زمین، به شناخت زبان‌ها، ادیان، مذاهب، مناطق استراتژیک، آثار باستانی، درآمدهای اساسی و سایر ظرافت‌ها و رموز آن همت گماشتند تا بتوانند در مطالعات و تحقیقات

خویش، به نتایج قابل اعتمادی دست یابند. آنان در دانشگاه‌های کشورهای خود، بخش‌هایی را برای بررسی این امور اختصاص دادند و آنها را به طور ویژه مورد توجه قرار دادند. علاوه بر آن، متخصصانی در هرزمینه، سفرهای بسیاری به کشورهای شرقی کردند و مسائل تاریخی، دینی، سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و... را مورد مطالعه قرار دادند. آنان برای این اقدام استثنایی، تلاش‌های طاقت‌فرسایی می‌کردند و حتی گاه متحمل هزینه‌های مالی و جانی می‌شدند. یکی از اموری که شایسته است مسلمانان به مطالعه و بررسی آن بپردازند، عملکرد شرق‌شناسان در زمینه شریعت اسلامی (فقه و احکام آن) است.

از آن‌جا که این موضوع گسترده است، بحث درباره آن نیازمند تخصص و دقت در واژه‌ها و اصطلاحات است و از این رو، تلاش کرده‌ام تا بیشتر اصطلاحات این موضوع را بررسی و معنای آنها را مشخص کنم. در این پژوهش، دستاوردها و اقدامات مثبت شرق‌شناسان مورد بررسی قرار گرفته است. البته ما تلاش‌ها و اقدامات آنان را در این زمینه کوچک نمی‌شماریم، اما برداشت‌های نادرست آنها از بسیاری از متون و اصطلاحات بر کسی پوشیده نیست. بدین جهت، آنان و جبهه کار خویش را مخدوش کرده‌اند؛ چرا که در بسیاری از موارد، احکام و مسائل را اشتباه ترجمه کرده‌اند و در نتیجه، تغییر معنا منجر به تغییر حکم شرعی شده است.

هر چند برداشت‌های نادرست گاه بدون سوء نیت و در اثر عدم آگاهی از معنای درست واژه‌ها و اصطلاحات بوده است، اما در برخی موارد این اقدام، مغرضانه و برای تفرقه‌انگیزی بین مسلمانان و به شیوه‌های ناپذیرفتنی انجام گرفته است. آنان به سبب اهداف خاصی که بر بسیاری پوشیده نیست، به برخی از فرقه‌ها و مذاهب بدبین بوده‌اند.

به هر حال، برخوردهای غیرعلمی آنان که گاه ناشی از جهل و ناآگاهی بوده است، پیامدهای نامطلوبی به دنبال داشته است و از این رو، پژوهشگر

بی طرف باید با گفته‌ها و نوشته‌های آنان با احتیاط برخورد کند و از تأثیرپذیری و پیروی از آنها خودداری ورزد تا از پیامدهای نامطلوب آن در امان باشد.

پژوهش حاضر در دو فصل تنظیم شده است:

مبحث نخست از فصل اول، مربوط به حقیقت و تاریخ شرق‌شناسی و نیز پیدایش و تحولات آن است و مبحث دوم به انگیزه‌ها و اهداف شرق‌شناسان در انجام مطالعات و پژوهشهای خود پرداخته است.

فصل دوم نیز از دو مبحث تشکیل شده است:

در مبحث اول - که اصل بحث و هدف اساسی آن به شمار می‌آید - مهم‌ترین مطالعات و تحقیقات شرق‌شناسان در زمینه شریعت اسلامی به ترتیب کشورهای که فعالیت شرق‌شناسی بیشتری داشته‌اند، بررسی و نام مستشرقان دو کشور براساس روند تاریخ به همراه تلاش‌ها و آثار مشهور آنان ذکر شده است. در مبحث دوم یک نمونه عینی از فعالیت‌های یکی از شرق‌شناسان ارائه و به علت انتخاب او و همچنین شیوه او در مطالعاتش پرداخته شده است و در پایان، نتایج مهم بحث و پس از آن منابع آمده است.

امیدوارم که در این زمینه حداقل تا اندازه‌ای موفق شده باشم و از خداوند متعال می‌خواهم که مرا به سوی خیر و صلاح هدایت کند و عملم را خالص گرداند. همانا او بهترین سرپرست و بهترین یاور است.

## فصل اول

### مبحث نخست: معنای لغوی و اصطلاحی و روند تاریخی

واژه «استشراق» در زبان عربی از «شرق» یعنی محل طلوع خورشید گرفته شده است. «شَرْقٌ» یعنی به سمت شرق رفت<sup>۲</sup>. حرف «سین» در واژه

۲. لسان العرب، ابن منظور، ج ۳۰۳/۲۰؛ مختار الصحاح، رازی/۳۳۶؛ المعجم

الوسیط، مصطفی ابراهیم، ج ۱/۴۸۲.

استشراق، طلب را می‌رساند؛ یعنی طلب مطالعه و بررسی آنچه در شرق است.<sup>۳</sup> استعمال «سین» در این واژه مانند استعمال آن در این آیه شریفه است.

«و اذا استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر...»<sup>۴</sup>؛ هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: با عصایت بر آن تخته سنگ بزن.

واژه استشراق و مشتقات آن را ابتدا متجددان در ترجمه واژه «orientalists» به کار بردند، سپس از این اسم، فعل ساختند و گفتند: «استشراق».<sup>۵</sup> اروپاییان در تعریف شرق شناس (مستشرق) گفته‌اند او کسی است که زبان و آداب مشرق زمین را عمیقاً مورد کاوش قرار دهد.<sup>۶</sup> اما در مورد معنای اصطلاحی شرق شناسی گفته‌اند: «علمی است که زبان، میراث، تمدن و جوامع مشرق زمین و گذشته حال آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهد».<sup>۷</sup>

۳. المستشرقون والحديث النبوي، محمد بهاء‌الدین، پایان نامه کارشناسی، بغداد، دانشکده علوم اسلامی / ۶.

۴. سوره بقره، آیه ۶۰.

۵. الجهود اللغوية خلال القرن الرابع عشر الهجري، عفيف عبدالرحمان / ۳۹۹؛ منظور الاستشراق في دراسة التراث العربي، عبدالجبار ناجي.

۶. المستشرقون البريطانيون، اربري / ۱۰.

۷. الاستشراق نشأته واهدافه، د. حسن ضياء‌الدین / ۲۶ و منهاج المستشرقين، د. سعدون الساموك / ۱۷.

ادوارد سعید بر این عقیده است که نباید شرق شناسی را یک علم بدانیم؛ زیرا به نظر او موضوع شرق شناسی مجهول و ناشناخته است. مراجعه کنید به: الاستشراق علم موضوعی ام سیاسته مقنعة، نبیل بیهم، چاپ بیروت ۱۹۸۱، ص ۱۵۱، و منهاج المستشرقين، دکتر سعدون الساموك، بغداد ۱۹۸۹ / ۱۷.

به نظر می‌رسد رابطه نزدیکی بین معنای لغوی و اصطلاحی وجود دارد. مطالعه و تحقیق درباره دنیای شرق را اصطلاحاً استشرق (شرق‌شناسی) می‌گویند و غربیانی را که این مطالعات و تحقیقات را انجام می‌دهند، مستشرقان (شرق‌شناسان) می‌نامند. «شرق‌شناسان گروهی از تاریخ نگاران و نویسندگان بیگانه هستند که بخش عمده زندگی خود را به مطالعه و بررسی در زمینه‌های تاریخی، دینی و اجتماعی جوامع اسلامی در مشرق زمین اختصاص داده‌اند».<sup>۸</sup> این افراد را گاه مستعرب (عرب‌شناس)<sup>۹</sup> می‌نامند تا روشن شود که هر شرق‌شناسی، عرب‌شناس نیست؛<sup>۱۰</sup> زیرا واژه «استعرب» تنها برای مطالعه و بررسی مسائل عرب به کار می‌رود.

«شرق‌شناسان آن دسته از دانشمندان فرنگی [اروپایی] هستند که خود را وقف مطالعه و بررسی میراث شرق به طور کلی، و فرهنگ عربی، تاریخ عرب، اسلام، مسلمانان و علوم و آداب و اخلاق و سنت‌های آنان به طور خاص کرده‌اند».<sup>۱۱</sup> برخی معتقدند شرق‌شناسی یعنی «پرداختن غیر شرقیان و غیر عرب به مطالعه تمدن، زبان و معنویات مشرق زمین و نقش آن در تحول تمدن بشری».<sup>۱۲</sup>

بنابراین اصطلاح شرق‌شناسی تنها مختص کسانی نیست که عرب و فرهنگ عربی را بررسی می‌کنند، بلکه به کسانی که به مطالعه زبان‌ها، آداب، تمدن‌ها و ادیان همه مشرق زمین با بخشی از آن - چه شرق دور، چه شرق نزدیک و چه شرق میانه (خاورمیانه) - می‌پردازند، اطلاق می‌شود.<sup>۱۳</sup>

۸. تطور الاستشراق فی دراسة التراث العربی، د. عبدالجبار ناجی/ ۲۳.

9. Arabist.

۱۰. تطور الاستشراق فی دراسة العربی/ ۲۳.

۱۱. المعجم الادبی، جبور عبدالنور/ ۱۷.

۱۲. المستشرقون و التراث، جمال الدین الالوسی/ ۱.

۱۳. الجهود اللغویة خلال القرن الرابع عشر الهجری، د. عقیف عبدالرحمن/ ۳۳۹.

به نظر من اصطلاح شرق‌شناسی (استشراق) دارای تسامح است؛ زیرا معنایی که از آن به ذهن تبادر می‌کند، مطالعه اسلام و مسلمانان است. شاید علت این امر کم‌رنگ جلوه دادن مفاهیم اسلامی از سوی محققان یهودی و مسیحی بوده باشد.

کاربرد کلمات «شرق» و «شرقیان» در ادبیات و نوشته‌های اهل شام و مصر در ابتدای قرن بیستم از این قبیل است که گاه به عنوان مأخذ مورد استناد قرار می‌گیرد؛ مثلاً احمد شوقی در قصیده‌ای گفته است:

نصحت و نحن مختلفون دارا و لكن کلنا فی الهم شرق<sup>۱۴</sup>

یا حافظ ابراهیم گفته است:

الم تعلموا انا بذخری نباغة نفاخر اهل الشرق فی ای مجمع<sup>۱۵</sup>  
در حالی که مقصود، عرب و مسلمانان بوده‌اند. این مفهوم گسترده شرق‌شناسی بود، اما آنچه در این مبحث مورد نظر ماست، شرق‌شناسی در زمینه بررسی شریعت اسلامی است.

### روند تاریخی پیدایش و تحولات شرق‌شناسی

در بین دانشمندان و پژوهشگران، هیچ دیدگاه مشترک و مورد انقافی درباره زمان پیدایش شرق‌شناسی وجود ندارد که این امر نشانگر گستردگی قلمرو شرق‌شناسی و ریشه داشتن آن در زمان‌های دور و نیز انگیزه‌ها و اهداف متفاوت آن است.

برای آگاهی از جوانب موضوع، باید دیدگاه‌های مطرح در این زمینه به طور کامل بررسی شود. در این بخش تلاش می‌کنم تا بیشتر دیدگاه‌های موجود در این زمینه را به طور کوتاه بیان کنم و نظریات قابل ترجیح را مشخص سازم و سپس این دیدگاه‌ها را در چند مرحله تقسیم‌بندی کنم.

۱۴. الشوقیات، احمد شوقی، چاپ استقامة، قاهره، مصر، ج ۲/ ۷۵.

۱۵. دیوان حافظ ابراهیم، حافظ ابراهیم/ ۱۲۱.

**دیدگاه اول:** تاریخ پیدایش شرق‌شناسی به قرن نخست میلادی باز می‌گردد که «فلاویوس اریان» یونانی برای سیطره بر راه‌های تجاری، اطلاعات مفصلی را درباره خلیج فارس و حمله اسکندر جمع‌آوری کرد.<sup>۱۶</sup>

**دیدگاه دوم:** تاریخ آن به راهبانی باز می‌گردد که در آغاز شکوه و مجدد اندلس برای علم‌آموزی به آن‌جا رفتند. برجسته‌ترین آنان، راهب فرانسوی «هربرت» بود که در سال ۹۹۹م، در کلیسای روم به عنوان پاپ برگزیده شد. ویژگی بارز این راهبان، تخصص در تاریخ عربی-اسلامی و وضعیت دینی کشورهای عربی بود و در نوشته‌های آنان، اندیشه‌های مخالف با پیامبر(ص) و دین اسلام بروز پیدا کرد؛ چرا که آثار آنان بر دروغ و خرافات و مطالب تحریف شده استوار بود و این امر، یا ناشی از جهل آنان به اسلام، و یا برخاسته از کینه‌توزی و دشمنی آنها با اسلام بود.<sup>۱۷</sup>

از مهم‌ترین طرفداران این دیدگاه نجیب‌العقیقی است.

**دیدگاه سوم:** جنگ‌های صلیبی سرآغاز شرق‌شناسی است؛ زیرا در آن زمان بود که درگیری سیاسی و دینی بین اسلام و مسیحیت آشکار شد.<sup>۱۸</sup>

**دیدگاه چهارم:** شرق‌شناسی هم‌زمان با جنگ‌های خونین بین مسلمانان و مسیحیان در اندلس، پس از غلبه «فونسو» بر طلیطله در سال ۴۴۸ ق آغاز شد.<sup>۱۹</sup>

**دیدگاه پنجم:** پیدایش شرق‌شناسی در قرن دوازدهم میلادی (سال ۱۱۴۳) بوده؛ قرن‌هایی که اولین بار قرآن به زبان لاتین ترجمه شد.<sup>۲۰</sup>

۱۶. تطور الاستشراق، عبدالجبار ناجی/ ۱۳؛ منهاج المستشرقین سعدون الساموک/ ۱۶.

۱۷. المستشرقون، نجیب‌العقیقی/ ۱۹؛ تطور الاستشراق/ ۸۶ و ۹۰.

۱۸. الاستشراق نشأته و أهدافه، حسن ضیاء‌الدین/ ۲۳.

۱۹. همان.

۲۰. مناهل العرفان، عبدالمعظیم الزرقانی، ج ۲/ ۴.



دیدگاه ششم: بیشتر تاریخ نویسان و دانشمندان بر این باورند که «شرق شناسی رسماً از زمان تصمیم شورای کلیسای وین در سال ۱۳۱۲ م مبنی بر ایجاد کرسی زبان عربی، یونانی، عبری و سریانی، در دانشگاه های فرانسه، لندن، بلونیا و سالامانکا آغاز شد».<sup>۲۱</sup>

دیدگاه هفتم: شرق شناسی هنگامی پدید آمد که عرب احساس کرد باید از اسلام دفاع، و عوامل قدرت ساز برای دفاع از مردم خویش را شناسایی کند، به ویژه پس از سقوط قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ که مسلمانان با مسلح شدن به مفاهیم و مبانی اسلامی همچون سدّ محکمی در برابر گسترش مسیحیت ایستادند.<sup>۲۲</sup>

### تقسیم بندی دیدگاه ها

این دیدگاه ها را می توان به سه مرحله تقسیم بندی کرد:

مرحله نخست: از تعامل اولیه اسلام و مسیحیت در قرن هشتم و دهم میلادی آغاز می گردد و تا قرن هجدهم ادامه می یابد. مطالعه اسلام در این مرحله، غالباً مغرضانه و متأثر از تعصب دینی بود؛ زیرا بیشتر شرق شناسان، متکلمان و الهیون، مسیحی بودند. کینه توزی برخی از این شرق شناسان تا بدان جا رسید که پس از مطالعه و تحقیق نسخه های خطی، اقدام به سوزاندن آنها می کردند.

مرحله دوم: از قرن هجدهم تا نیمه قرن بیستم را شامل می شود. در این مرحله دو جنبش روشنفکری و رومانیسم بر مطالعه اسلام تأثیر گذاشتند.

مرحله سوم: این مرحله از اواسط قرن بیستم آغاز می شود. در این مرحله

۲۱. الاستشرق، ادوارد سعید/ ۸۰؛ الغزو الاوربی للفکر العربی الاسلامی، عبدالباسط عبدالصمد/ ۸۵ و ۸۶ و سخنرانی های د. فارق عمر فوزی در جمع دانشجویان مقطع دکترا در دانشکده الشریعه، دانشگاه بغداد سال ۱۹۹۱.

۲۲. الاسلام و الاستشراق، محمود حمدی زقزوق/ ۲۱؛ الاستشراق نشأته و اهدافه/ ۲۳.

موضوعات و تحقیقات شرق‌شناسان، تقریباً به سمت بی‌طرفی و انصاف می‌گراید؛ هر چند برخی از آنها هنوز از انصاف و بی‌طرفی دور هستند.<sup>۲۳</sup> حقیقت هر موضوع یا مسئله‌ای تنها پس از گذشت زمان روشن می‌شود. بنابراین باید توجه داشت که فعالیت‌های آغازین شرق‌شناسی را هر چند می‌توان نادیده گرفت، اما این فعالیت‌ها نمی‌تواند نمایانگر شرق‌شناسی جدید باشد که پدیده‌ای تکامل یافته، تخصصی و برخوردار از اصول و مکاتب و راهکارهای خاص است.

### نتیجه

می‌توان گفت ارتباط عملی و اثرگذار غرب با تمدن عربی [اسلامی] از زمان ظهور نهضت اروپایی در قرن دهم میلادی یا اندکی قبل از آن آغاز شد. در آن زمان، شرق‌شناسان که گروهی از دانشمندان غربی و بیشترشان راهب بودند، ظهور یافتند. سازمان یافته‌ترین، گسترده‌ترین و پیوسته‌ترین فعالیت‌های شرق‌شناسی در واتیکان انجام می‌گرفت تا از نتایج آن برای ردّ مذهب پروتستان که از واتیکان جدا شده بودند، استفاده شود. شرق‌شناسان مزبور، زبان عربی را نزد عرب‌های اندلس فراگرفتند و نیز میراث و فرهنگ عربی را مطالعه کردند. پس از پیدایش یا اختراع صنعت چاپ در قرن پانزدهم میلادی، شرق‌شناسان نخستین کسانی بودند که به چاپ کتاب‌های عربی همت گماشتند. «انسان از انبوه کتاب‌هایی که از آثار ما چاپ کرده‌اند، شگفت زده می‌شود. گویا این اختراع بزرگ تنها برای خدمت به این تراث و گسترش آن ایجاد شده بود و گویا در آن روزگار به جز میراث عربی، هیچ میراث انسانی دیگری در اختیار مردم نبود.»<sup>۲۴</sup> در تأکید این مطلب، می‌افزاییم که: «تقریباً در این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که شرق‌شناسی، حرکتی سازمان یافته است که از اواخر قرن هجدهم آغاز شد و در طول قرن نوزدهم نیز ادامه داشت. این

۲۳. الجهد اللغویة خلال القرن الرابع عشر الهجری / ۳۹۹.

۲۴. مدخل الی تاریخ نشر التراث العربی، محمود محمد الطباخی / ۲۱۱.

حرکت پیش از آن که نتیجه کنجکاوی غربیان برای شناخت مشرق زمین باشد، حرکتی است در جهت اهداف و خواسته های تجاری - اقتصادی و اقدامات برتری جویانه و نیز اغراض تبلیغی مسیحیت»<sup>۲۵</sup>.  
در بخش بعد به این مطلب خواهیم پرداخت.

آری، فعالیت های شرق شناسان برای احترام و اهتمام به میراث ما نبود، بلکه به خاطر نیاز آنان به گنج های علمی و معرفتی نهفته در آن بود و در پرتو آن توانستند به اهداف [علمی] خود برسند. از سوی دیگر، این فعالیت ها برخاسته از نیت های پلید و کینه توزانه آنان در تبلیغ مسیحیت، مبارزه با اسلام و استعمارگری در شکل های گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی، راهبردی، فرهنگی و ... بود.

### مبحث دوم: انگیزه ها و اهداف شرق شناسی

تعیین زمان خاص کشور مشخص - چه اروپایی، چه آمریکایی و چه غیر آنها - برای پدیده شرق شناسی کار آسانی نیست؛ زیرا همه این عوامل زمانی و جغرافیایی، هدف واحد دارند. شرق شناسی یک پدیده تاریخی - فرهنگی پیچیده و چند بعدی است و از این رو، نمی توان پیدایش آن را تنها ناشی از یک عامل دانست، بلکه باید برای شناخت مجموعه عواملی که در طول زمان در پی ریزی شرق شناسی و نیز تحول آن در طول چند قرن نقش داشته اند، آن را به طور جدی و فشرده مورد مطالعه تحلیلی قرار داد.

انگیزه های متعددی شرق شناسان را به مطالعه شرق شناسی واداشته است و در مجموع می توان گفت موضع گیری آنها در برابر شرق و میراث آن منفی بوده است. در این بخش می کوشیم تا انگیزه ها و عواملی را که موجب پیدایش پدیده شرق شناسی شده است، کشف و سپس آنها را بر اساس میزان اثرگذاری در تحول شرق شناسی تجزیه و تحلیل کنیم.

## ۱. انگیزه دینی و تبلیغی

گسترش دین آسمانی و شریعت سمحه اسلام در سراسر جهان و نیز پیامدها فکری، سیاسی، اخلاقی و رفتاری آن، در همه عرصه ها و زمینه ها، اندیشه ها و دیدگاه های سیاسی، امپراطوری مسیحی روم را تحت تأثیر قرار داد. امپراطوری روم خود را تنها طلایه دار دین مسیح در جهان غرب و دیگر مراکز دینی و سیاسی - که از نظر قدمت و اثرگذاری از آن ضعیف تر بودند - می دانست. تعامل فکری و فرهنگی گسترده بین اسلام و مسیحیت، از اندلس که تا مدت های طولانی پذیرای غربیانی بود که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی و مبانی فکری و فرهنگی آن بودند، آغاز شد. این امر به خاطر آن بود که آموزه های اسلامی روشن، ساده و عاری از هر گونه پیچیدگی و انحراف بود. همین امر بزرگان دینی مسیحیت را به تعامل با اسلام سوق می داد. نقل شده است هنگامی که در اندلس اسلام و مسیحیت در کنار هم قرار گرفتند و مسیحیان با شور و اشتیاق به مطالعه اسلام رو آوردند، این امر نظر بزرگان دینی و مسیحیت را جلب کرد؛ به گونه ای که اسقف «فارو» از این که بسیاری از مسیحیان شعر عربی می خوانند و فلسفه و فقه اسلامی را نه برای رد اسلام، بلکه برای تقویت زبان عربی خود و سخن گفتن شیوا و روان به زبان عربی مطالعه می کنند - در حالی که آنان نمی توانستند به طور صحیح به زبان لاتین بنویسند و حتی کم کم زبانشان را فراموش کردند - گلایه کرد.<sup>۲۶</sup>

روشن است که نخستین و مهم ترین انگیزه و هدف شرق شناسان در قرن دوازدهم میلادی و قرن های بعد از آن، تبلیغ مسیحیت بود؛ از این رو، پدیده شرق شناسی به وسیله راهبان پایه گذاری شد.<sup>۲۷</sup>

۲۶. الجهود اللغویة خلال القرن الرابع العشر الهجری/ ۴۰۰ و مجلة قضايا عربية معاصرة/ ۳۵.

۲۷. المستشرقون، نجیب العقیقی/ ۱۹.



پیشرفت تمدن عربی - اسلامی، اروپا را بر آن داشت که علوم و میراث شرق را بشناسد و از سویی تعصب کلیسا باعث شد که حقایق را زیر پا گذارند و اسلام را زیر سؤال برند و امتیازات و نقاط قوت آن را منفی جلوه دهند؛ تا آن جا که اسلام را دینی خشک و متحجر و غیر قابل پیشرفت خواندند و تصویری غیر حقیقی و تحریف شده از اسلام منعکس کردند، اما حقیقت تکذیب شدنی نیست: «بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی آید، [آنان] جز دروغ نمی گویند»<sup>۲۸</sup>.

بدین جهت می توان گفت که دروغ بستن به اسلام و پیامبر و قرآن کریم یکی از ویژگی های بارز شرق شناسان شده است.

اما هنگامی که ارتباط غرب با شرق گسترش یافت، حقیقت برای بسیاری از غربیان آشکار گشت و در نتیجه اعتماد خود را به کتاب های شرق شناسان را از دست دادند. برای نمونه، می توان به کتاب «الابطال» نوشته «کارل لایل»<sup>۲۹</sup> اشاره کرد. وی در این کتاب تصویر درخشانی از زندگی پیامبر ارائه می کند، اما نه به عنوان پیامبر الهی بلکه صرفاً به عنوان یک قهرمان بزرگ.<sup>۳۰</sup>

وی در این کتاب به مقام نبوت جسارت کرده و پیامبر اکرم را همسطح دیگر قهرمانان قرار داده است، اما در عظمت مقام پیامبر همین بس که خداوند او را رسول خود و خاتم پیامبران خوانده است. «البهی» در این باره می نویسد: مهم ترین عاملی که اروپاییان را به شرق شناسی واداشت، در درجه اول عامل دینی بود؛ زیرا جنگ های صلیبی اثر بسیار تلخی در دل آنها به جا گذاشته بود؛ تا آن جا که منجر به اصلاح دینی در مسیحیت شد. مسیحیان و پروتستان و کاتولیک احساس می کردند که سخت نیازمند بازنگری در شرح کتاب های دینی و همچنین فهم آنها بر اساس تحولات نوینی که جنبش اصلاحی پدیدآورده بود،

۲۸. سوره کهف، آیه ۵.

۲۹. الابطال، توماس کارل لایل، ترجمه محمد السباعی / ۵۳.

۳۰. النبوة والعبریة، محمود محمد صدقی / ۵ - ۶؛ المستشرقون / ۸۶.



پیشرفت تمدن عربی - اسلامی، اروپا را بر آن داشت که علوم و میراث شرق را بشناسد و از سویی تعصب کلیسا باعث شد که حقایق را زیر پا گذارند و اسلام را زیر سؤال برند و امتیازات و نقاط قوت آن را منفی جلوه دهند.

هستند و از این رو، آنان به مطالعه متون عبری و به دنبال آن متون عربی-اسلامی رو آوردند؛ زیرا زبان عربی برای فهم زبان عبری ضروری بود.<sup>۳۱</sup>

## ۲. انگیزه سیاسی و استعماری

پدیده شرق‌شناسی به دنبال تعریف حوزه‌های استعماری، سیاسی، راهبردی، باستانی، فرهنگی و تاریخی مشرق زمین به طور عام و کشورهای عربی به طور خاص است؛ چرا که این کشورها زیر بنای دینی، فرهنگی و اقتصادی تمدن اسلامی به شمار می‌آیند. این عامل یک عنصر کاربردی در خدمت راهکارهای سیاسی غرب برای استعمارگری است و از این رو، از شرق‌شناسان فعال در کشورهای عربی و اسلامی خواسته می‌شود تا زبان عربی را به خوبی فراگیرند و در فنون شرقی مهارت یابند. گذشته از این، برخی از شرق‌شناسان حرص خاصی در انجام کار خود داشتند و همین عامل باعث می‌شد تا مسئولیت‌هایی را که دولت‌های استعمارگر بر اساس برنامه‌های تنظیم

شده از آنان درخواست می کردند، بر عهده بگیرند. از این رو، شرق شناسان تلاش کردند مسلمانان را در مسائل اعتقادی دچار تردید کنند و میراث اسلامی را در نزد آنها کم اهمیت جلوه دهند و دولت های استعمارگر نیز انواع کمک ها و امکانات را در اختیارشان قرار می دادند؛ از جمله این شرق شناسان «گلدزیهر» یهودی است که اطلاعات فراوانی را به کشور آلمان فرستاد و از این راه تصویر عجیب و متناقضی از میراث عربی - اسلامی نشان داد.<sup>۳۲</sup>

طمع کشورهای غربی به منابع و میراث شرق حتی پس از شکست در جنگ های صلیبی نیز کاسته نشد و دولت های غربی، شرق شناسان را در سفارتخانه های خود به کار گماشتند تا با مطالعه تاریخ، زبان، عقاید، آداب و ثروت های شرق خدمت بزرگی به غرب ارائه دهند؛ چرا که با شناخت این امور به راحتی می توان به اسرار قدرت و ثروت پی برد. همین امر دولت های غربی را بر آن داشت تا پس از تسلط نظامی بر شرق، بعد از جنگ جهانی اول در صدد تسلط بر زیرساخت ها و تکیه گاه های شرق، متزلزل کردن قدرت روحی و معنوی مسلمانان، غارت منابع و ثروت ها، فتنه انگیزی و اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» برآیند.<sup>۳۳</sup> بنابراین حرکت شرق شناسی، چه در گذشته و چه در قرن حاضر، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در خدمت استعمار بوده و مغرضانه یا غیرمغرضانه به تمدن عربی - اسلامی ستم کرده است.<sup>۳۴</sup>

هیئت های دیپلماتیک نیز تاکنون نقش شرق شناسی داشته اند؛ چرا که بسیاری از اعضا و کنسول های آنها از کسانی بوده اند که در زمینه شرق شناسی فعالیت داشته و درباره عرب و اسلام مطالب بسیاری نوشته اند. برای نمونه،

۳۲. مجلة الاستشراق / ۲۰ - ۲۱.

۳۳. موقف المشاركة من المستشرقین، صبحی ناصر حسین / ۴۷؛ الاستشراق نشأته و اهدافه / ۲۸.

۳۴. التراث الاسلامی و المستشرقون، انورالجنیدی / ۶.



می توان به «بوکون» کنسول فرانسه در شهر حلب، «کلرمهون» کنسول فرانسه در قدس و سپس در آستانه، و «بوتی» نماینده دولت فرانسه در مراکش (مغرب) اشاره کرد.<sup>۳۵</sup>

### ۳. انگیزه علمی - فرهنگی

هر چند این انگیزه شرق شناسان تقریباً جنبه مثبت داشته است، اما تنها گروه بسیار اندکی از آنها به دلیل اشتیاق علمی و حقیقت جویی به مطالعه اسلام و تمدن اسلامی پرداخته اند. شرق شناسانی که دارای این انگیزه بوده اند، طبیعتاً از هوا و هوس و کینه توزی به دور بوده اند؛ از این رو، تحقیقات و بررسی های آنان به واقعیت نزدیک تر و بیشتر بر شیوه های علمی صحیح مبتنی بوده است. با این همه، در نوشته های آنان نیز مطالب نادرست و نقاط منفی بسیاری وجود دارد که یا به سبب ناآشنایی شان با زبان عربی و یا ناشی از کینه توزی و حيله گری آنهاست. برای نمونه، «بروکلمن»<sup>۳۶</sup> کتاب «ذبائح اهل الکتاب» اثر شیخ مفید درباره حلال یا حرام بودن حیوانات ذبح شده به وسیله اهل کتاب را تحت عنوان «رساله ای در جنگ های یهود و مسیحیت» ترجمه کرد. «گلدزیه»<sup>۳۷</sup> نیز همین اشتباه را مرتکب شد. این امر، به سبب دشمنی با اسلام یا درک نادرست از آن و یا به دلیل اثرپذیری از مفاهیم غربی است که با مفاهیم شرقی و به ویژه اسلامی تفاوت اساسی دارد.

به هر حال، انگیزه شرق شناسان در مسائل علمی محض و گرایش فرهنگی آنان به آشنایی با معارف، علوم، شریعت و تمدن اسلامی، از آن جهت بود که تمدن اسلامی در آن دوره، در اوج شکوفایی و پیشرفت خود قرار داشت. باید به این نکته توجه داشت که نهضت شرق شناسی به طور کلی دارای

۳۵. تطور الاستشراق فی دراسته التراث العربی / ۱۵.

۳۶. تاریخ الادب العربی، بروکلمن، ج ۱ / ۱۸۸ و ج ۳ / ۳۵۰.

۳۷. العقیده و الشریعة الاسلامیة، گلدزیه / ۳۵۳ - ۳۵۴.



جنبه علمی - فرهنگی است و رهبری و هدایت آن را غربیانی به عهده داشتند که خود را وقف مطالعه اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شرق کرده بودند؛ زیرا فرهنگ نقش بسیار مهمی در حیات امت‌ها و جوامع انسانی دارد. هدایت نهضت شرق شناسی بیشتر به دست کسانی بود که خود را رهبر دینی می‌دانستند و زندگی خود را وقف خدمت به دین خود کرده بودند و تلاش می‌کردند تا به بررسی‌ها و تحقیقات خود رنگ علمی و بی‌طرفی بدهند. گذشته از آن، مبلغان مسیحی نیز آشکارا در این زمینه مشغول فعالیت بودند که به آن اشاره شد.

#### ۴. انگیزه تجاری و اقتصادی

آشنایی غربیان با منابع طبیعی، وضعیت بازارهای تجاری، صنایع و همچنین وجود مهم‌ترین مواد اولیه در مشرق زمین، آنها را بر آن داشت تا از یک سو، در کشورهای شرقی بازارهایی را برای فروش کالاهایشان پدید آورند و از سوی دیگر، کوشیدند که از تأسیس صنایع مادر در این کشورها جلوگیری کنند تا در نتیجه، بازار آنها بازاری مصرفی باقی بماند. به این منظور، آنها مواد اولیه را به قیمت ناچیز از کشورهای شرقی می‌خریدند و کالاهایی را که با همان مواد ساخته بودند، به قیمت‌های هنگفت به آنها می‌فروختند. روشن است که این انگیزه اقتصادی نقش مهمی در پویایی و تقویت حرکت شرق شناسی داشته است.

البته می‌توان انگیزه اقتصادی را که در اثر حرکت استعماری پدید آمده بود، مرتبط با اهداف علمی دانست؛ زیرا شرق شناسی پیشه‌ای علمی بود که افراد کارآمد و متخصص برای آن به کار گرفته می‌شدند. استادان زبان‌های شرقی در قرون میانه، در مقابل کار خود مزد می‌گرفتند و نخستین شرق شناسان و ثروتمندان نیز در برابر تلاش خود برای پایه‌گذاری نهضت اروپایی در استفاده از برکات و ثروت‌های کشورهای عربی، پاداش خوبی دریافت می‌کردند. کشورهای استعمارگر کمک‌های فراوان و گوناگونی به

برخی از شرق شناسان ارائه دادند و همین امر در آنها انگیزه اقتصادی و شخصی پدید آورد. «نجیب العقیقی» در این باره می نویسد:

هنگامی که بیشتر کشورهای غربی در صدد برآمدند تا با کشورهای شرقی رابطه سیاسی برقرار کنند و از میراث و ثروت های آنها بهره ببرند و حتی بر سر استعمار این کشورها به رقابت پرداختند، هر کشور غربی شرق شناسان خود را مورد تکریم قرار داد و پادشاهان آن کشورها آنان را در شمار نزدیکان و امین اسرار خود قرار دادند، آنان را در قالب نیروهای نظامی و دیپلماتیک به کشورهای شرقی اعزام کردند، به آنها پست و مقام دادند، در سفر و حضر آنان را از نظر مالی به طور کامل حمایت کردند، لقب های شرافتمندانه به آنها دادند و آنان را به عضویت مجامع علمی درآوردند.<sup>۳۸</sup>

انگیزه های دیگری نیز وجود دارد که می توان آنها را ضمن انگیزه های ذکر شده گنجانده؛ مانند انگیزه های استراتژیکی و محیطی و در این میان، انگیزه دینی و تبلیغی از چند جهت اهمیت بیشتری دارد:

۱. کشورهای اسلامی - عربی از نظر فکری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... جایگاه بسیار مهم و ویژه ای در جهان شرق دارند.
۲. شرق و به ویژه دنیای اسلام از نظر استراتژیکی و منابع و ثروت های طبیعی بسیار حائز اهمیت است.
۳. از آن جا که جنبه تشریعی و فقهی یعنی همان احکام عملی جایگاه مهمی در اسلام دارد، شرق شناسان برای رسیدن به اهداف خود، اهتمام خاصی برای مطالعه در این زمینه قائل شده اند.
۴. بارزترین شکست نظامی غرب، در جنگ های صلیبی رخ داد. این

جنگ‌ها با انگیزه‌های پلید و مقاصدی خطرناک و در اثر انحطاط فرهنگی غرب به پا شد که خود ناشی از تحریف کتاب مقدس و بی‌توجهی فکری و عقیدتی به آن و در نتیجه عدم پابندی حقیقی به آن بود. از این رو، غربیان پس از شکست‌های پیاپی در جبهه نظامی، شرق‌شناسی را به عنوان راهکاری برای ایستادن در برابر زبان گفتگوی فکری و عقیدتی اسلام - که نماد آن قرآن کریم است - برگزیدند. در این زمینه شرق‌شناسان بسیاری در قالب هیئت‌ها، شخصیت‌ها، مؤسسه‌ها و مانند آن به شیوه‌های گوناگون و به طور آشکارا، یکی پس از دیگری به کشورهای شرقی سرازیر شدند. به همین دلیل، در برخورد با بررسی‌ها و تحقیقات شرق‌شناسان، باید جنبه احتیاط را رعایت کنیم و به دنبال کشف اهداف واقعی آنان باشیم.

## فصل دوم

در این فصل که محور اساسی بحث به شمار می‌آید، به جنبه استقرایی و تطبیقی بحث خود می‌پردازیم و برجسته‌ترین شرق‌شناسان سراسر جهان را که در زمینه شریعت اسلامی (فقه و احکام) پژوهش کرده و کتاب نوشته‌اند، بر اساس کشورهایشان معرفی می‌کنیم و آثار و فعالیت‌های هر یک را بر اساس روند تاریخی برمی‌شماریم. البته ادعا نمی‌کنم که توانسته‌ام همه فعالیت‌های شرق‌شناسان را در این زمینه شناسایی کنم؛ هر چند در این راه سخت کوشیده‌ام. این فصل شامل دو مبحث است: در مبحث اول، فعالیت شرق‌شناسان سراسر جهان در زمینه فقه اسلامی و در مبحث دوم فعالیت‌های یکی از این شرق‌شناسان به عنوان نمونه بررسی شده است.

### مبحث اول: فعالیت‌های شرق‌شناسان در زمینه فقه اسلامی

کشورهای بسیاری در این زمینه علمی دقیق فعالیت داشته‌اند. در این جا کوشیده‌ام فعالیت شرق‌شناسان هر کشور را به طور جداگانه ارائه کنم تا میزان



تلاش علمی هر کشور در این زمینه روشن گردد. شرق شناسان هر کشور را نیز به ترتیب تاریخی نام برده‌ام.

### شرق شناسان فرانسه

فعالیت شرق شناسان در فرانسه در اواسط قرن سیزدهم میلادی آغاز شد و در قرن شانزدهم با تأسیس دانشکده پادشاهی برای تدریس زبان های بیگانه اهتمام به این امر افزایش یافت و در قرن هفدهم این فعالیت ها به سبب عوامل دینی و سیاسی شتاب بیشتری گرفت.<sup>۳۹</sup>

شایان ذکر است که فرانسه تنها کشور اروپایی است که در زمینه شرق شناسی از مرزهای مشرق زمین فراتر رفته و کشورهای عربی را در شرق و غرب مورد مطالعه قرار داده است، به ویژه کشورهای الجزایر، تونس، قاهره، دمشق و بیروت را که تعداد زیادی از شرق شناسان در لباس کشیش یسوعی در دانشگاه قدیس یوسف مشغول فعالیت بوده اند.<sup>۴۰</sup> پس از آن آمریکا، انگلستان و آلمان نیز برای رسیدن به اهدافشان اقدام به تأسیس آموزشگاه و دانشگاه در شرق کردند.

برجسته ترین شرق شناسان فرانسوی عبارت اند از:  
 ۱. پوستل (Postel, G, ۱۵۰۵ - ۱۵۸۱ م). وی کتابی درباره آداب و شریعت مسلمانان نوشته است.

۲. فرانسو پتی (P, etis, ۱۶۵۳ - ۱۷۱۲). او چهار نسخه خطی را درباره فرقه دروز<sup>۴۱</sup> را ترجمه کرده است.

۳. دوکوروی (du Caurroy, ۱۷۷۵ - ۱۸۳۵). از مهم ترین تألیفات او

۳۹. مناخ المستشرقین، د. سعدون الساموک و عبدالقاهر العانی / ۳۲ - ۳۳.

۴۰. الدراسات الشرقية فی اروپا، د. میخال حجا / ۴۶.

۴۱. دروز، نام یک فرقه است، نه مذهب. ر. ک: الأسرة فی الشرع الاسلامی، دکتر

عمر فروخ، چاپ بیروت / ۷۵.

«شریعت اسلامی در مذاهب اسلامی» است.

۴. دوساسی (de Sacy, ۱۷۵۸ - ۱۸۳۸). وی الگوی شرق‌شناسان در عصر خود شمرده شده است. همه دانشمندان اروپایی از او پیروی کرده‌اند و پدیده شرق‌شناسی را در کشورهای خود براساس شیوه او سامان داده‌اند. وی کتاب «روح الشرایع» را تألیف کرده و درباره فرقه دروز نیز مطالبی نوشته است.

۵. پوتیر (Pauthier, G, ۱۸۰۰ - ۱۸۷۳). «مذاهب فقهی مسلمانان» اثر اوست.

۶. دکتر پرون (Perron, A, ۱۸۰۲ - ۱۸۷۶). کتاب «مختصر فی فروغ المالکیه» را از سیدی خلیل و «میزان الشرع الاسلامی» را از شعرانی ترجمه کرده است.

۷. بلین (Belin, ۱۸۱۷ - ۱۸۷۷). فعالیت‌های او عبارت‌اند از: بررسی کامل اوقاف اسلام، بررسی مذهب مالکی در زمینه جهاد، وقف و زکات، بررسی فتاوی مربوط به مسیحیان ساکن در سرزمین‌های اسلامی (احکام اهل ذمه).

۸. آریستید مار (A. Marre, ۱۸۲۳ - ۱۹۱۸). وی کتاب بهاء‌الدین عاملی، یکی از فقهای امامیه ساکن جبل عامل در لبنان را که در سال ۱۹۱۲ در کلکته چاپ شده بود، منتشر کرد.

۹. دوگا (Dugat, G, ۱۸۲۴ - ۱۸۹۴). دوگا کتابی تاریخی درباره فقها و فلاسفه مسلمان سال‌های ۶۳۲ تا ۱۳۵۸ هجری را نگاشته است.

۱۰. دی مینرال (D. meynaral, ۱۸۲۶ - ۱۹۰۸). او درباره محمد بن الحسن الشیبانی، فقیه مذهب حنفیه، به تحقیق پرداخته و کتاب «مجموعه شرائع تتعلق بالمسلمین» را ترجمه کرده است.

۱۱. فگنن (Fagnan, M. E, ولادت: ۱۸۴۶). وی در بلژیک تولد یافت و در پاریس فارغ التحصیل شد. آثار او عبارت‌اند از: فقه مقارن در مذهب



مالکیه از سیدی خلیل در سال ۱۸۸۹، ترجمه کتاب «الاحکام السلطانیة» اثر ماوردی (۱۹۱۵)، ترجمه کتاب «الخراج» از ابویوسف (۱۹۲۱)، بررسی جهاد (جنگ مقدس) در فقه مالکی (۱۹۰۸)، ازدواج در اسلام (۱۹۰۹).

۱۲. هرت (Huart, cl, ۱۸۵۴ - ۱۹۲۷). وی یک قصیده کردی قدیمی را تحت عنوان نماز قانونی (شرعی) در اسلام که در آن به بیان شرایط نماز و ارکان و انواع آن پرداخته شده است، به زبان فرانسه ترجمه کرده است (۱۸۹۵).  
 ۱۳. باست (R. Basset, ۱۸۵۵ - ۱۹۲۴). او کتابی تحت عنوان نماز مسلمانان در چین (۱۸۷۸) نوشته است.

۱۴. هنری لامنس یسوعی<sup>۴۲</sup> (H. Lammens, ph, ۱۸۶۲ - ۱۹۳۷). او تحقیقات متعددی در زمین فقه اسلامی داشته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: حج در مکه (۱۹۰۲)، نظر اسلام درباره هنرهای تصویری (۱۹۱۵)، عقاید و نظام‌های اسلامی (۱۹۶۲)، فقه اسلامی (۱۹۳۴).  
 ۱۵. جان ارتورکی (J. Arthorki, ۱۸۷۴ - ۱۹۲۸). ارتورکی کتاب «الاشربة» ابن قتیبه را منتشر کرده است.

۱۶. ویلیام مارسی (W. Marçais, ۱۸۷۴ - ۱۹۵۶). وی با فقهایی که علوم اسلامی را تدریس می‌کردند، ارتباط داشت و مطالعات عربی و علوم اسلامی را به بهترین شکل در «مجمع الكتابات و الآداب» منعکس کرد.  
 ۱۷. امیل امار (Amar. EM, ولادت: ۱۸۸۳). امار تحقیق مدون و بزرگی در فقه مالکی ارائه کرده است.

۴۲. دکتر ساموک در کتاب منهاج المستشرقین (ص ۱۰۹)، او را بلژیکی دانسته است، اما نجیب العقیقی در کتاب المستشرقون (ج ۱/۳ ۱۰۳) او را فرانسوی معرفی کرده است. می‌توان بین این دو قول جمع کرد؛ زیرا من در تحقیقات خود دریافتم که او متولد بلژیک است، اما تابعیت فرانسه داشته است و از این رو، می‌توان او را فرانسوی دانست. گفتنی است او راهب بوده است.

۱۸. هنری برونو (H. Bruno، ۱۸۸۸-۱۹۴۸). آثار او عبارت‌اند از: نظام مالی در اسلام، و مسئولیت اشیای ساکت در مذهب مالکی (شاید منظور او موجودات غیر ناطق (حیوانات بوده است).
۱۹. اوکتاف پیسل (O. Pesle، ۱۸۸۹-۱۹۴۷). آثار او عبارت‌اند از: قسم در شریعت اسلامی، حقیقت فقه اسلامی، و نیز کتاب «فرزند خواندگی، وصیت، ازدواج، ارث، کفالت و هبه در اسلام».
۲۰. لئون برشیه (L. Bercher، ۱۸۸۹-۱۹۵۵). آثار او عبارت‌اند از امر به معروف و نهی از منکر از نظر غزالی، و مقالات متعدد در فقه اسلامی.
۲۱. لوبینیاک (Loubigniac، ۱۸۹۲-۱۹۴۶). آثار لوبینیاک عبارت‌اند از: تقسیم ارث در اسلام، صورت‌نگری در شرع اسلام، نظام آبیاری در اسلام، بیع پیش فروش در اسلام.
۲۲. لوی پراونشل (Levi. Provencal، ولادت: ۱۸۹۴). تصحیح کتب فقهی و ترجمه بخشی از صحیح بخاری (۱۹۲۸) از جمله فعالیت‌های اوست.
۲۳. برانشویگ (B. Branschving، ولادت: ۱۹۰۱). آثار و تحقیقات فقهی متعددی دارد؛ از جمله بیان شک در اسلام، آرای اجتماعی در فقه اسلامی، بررسی فقه اسلامی از قرن دهم هجری.
۲۴. لاتور (Lator, E T، ولادت: ۱۹۰۴). مهم‌ترین تحقیق فقهی او «نگاهی به شریعت اسلامی» (۱۹۴۵) است.
۲۵. لاوست (Laoust، ولادت: ۱۹۰۵). او تقریباً در فقه ابن تیمیه تخصص دارد و آرائی را در مورد مذهب ابن تیمیه مانند شاهد گرفتن برای طلاق و غیر آن ارائه داده است. همچنین مقالاتی را درباره ابن حنبل نوشته است.
۲۶. لپان جونیویل (Lapanna Joinville، ولادت: ۱۹۰۵). وی درباره نسبت مالکیت بین همسران در مذهب مالکی و موضوعاتی همچون:

خانواده، ازدواج، نفقه، طلاق و غیر آن در فقه اسلامی تحقیق کرده است.  
 ۲۷. جنون رن (Guenon Rene)، درگذشت: ۱۹۵۱). او به مطالعات  
 اسلامی و به ویژه فقهی توجه داشت و سرانجام اسلام آورد و به مذهب  
 اسماعیلیه گرایید.

۲۸. لسیانی (Luciani). لسیانی بخش وصیت و بیع از کتاب صحیح  
 بخاری و بخش بیع از کتاب الموطأ اثر مالک را ترجمه کرده است.  
 ۲۹. انگیر (Angeer). کتاب «الاحکام السلطانیة» اثر ماوردی را چاپ و  
 به زبان فرانسوی ترجمه کرد (۱۹۰۲).

۳۰. پلتیه (Peltier). آثار او عبارت اند از: ترجمه بخش وصیت از کتاب  
 صحیح بخاری (۱۹۰۹)، ترجمه بخش بیع و خیار از کتاب صحیح بخاری  
 (۱۹۱۰)، ترجمه بخش بیع از کتاب الموطأ مالک بن انس (۱۹۱۱).

۳۱. باسکه (Bousquet G. H). تحقیقاتی در این موضوعات داشته  
 است: ازدواج مشروط، گزیده فقه اسلامی از مذهب شافعی، فقه اسلامی و  
 عرف در شمال آفریقا، سر شکل گیری فقه و اصول فقه، وصیت، طهارت و  
 تطهیر در اسلام، و مختصری از فقه مالکی.

### شرق شناسان آلمانی

شرق شناسی آلمان به سبب پویایی و نشاط فراوان در مطالعات فقهی،  
 پیشاپیش جنبش شرق شناسی قرار دارد؛ زیرا مبتنی بر حرکتی بود که به جدایی  
 لوتر از واتیکان (۱۴۸۳ - ۱۵۴۶) انجامید. وی قدرت پاپ را به چالش کشید و  
 به وسیله تورات که زیربنای عهد جدید است، با او به مبارزه پرداخت.

برجسته ترین شرق شناسان آلمانی عبارت اند از:

۱. وستنفلد (Wustenfled, ۱۸۰۸ - ۱۸۹۹). آثار او عبارت اند از:

تاریخ امام شافعی، و تهذیب الاسماء اثر نووی.

۲. مرقس یوسف مولر (M. J Muller, ۱۸۰۹ - ۱۸۷۴). او کتاب ابن



رشد مالکی را به زبان اسپانیولی ترجمه کرد.

۳. مارتین هارتمن (M. Hartmann, ۱۸۵۱-۱۹۱۸). آثار او عبارت است از: عقیده و فقه اسلامی (۱۹۰۸)، و قانون در اسلام (۱۹۱۴). ظاهراً منظور او از قانون، اقدامات قضایی و جنایی در اسلام است.

۴. فرانکل (S. Fraenkel, ۱۸۵۵-۱۹۰۹). آثار او عبارت اند از: قانون اسلامی (ظاهراً مقصود او فقه اسلامی است) و تألیفی درباره اسلام و حضرت محمد (ص).

۵. سیبولد (Seybold G. f, ۱۸۵۹-۱۹۲۱). کتاب واجبات در اسلام را تألیف کرده است (۱۹۱۴).

۶. میتواخ (Mittwoch, Fug, ۱۸۶۷-۱۹۴۹). کتاب های «منشأ نماز و دیگر شعائر در اسلام (۱۹۱۱)» و «فتاوی اسلامی (۱۹۲۶)» شامل پرسش های فقهی و پاسخ آنها را نگاشته است.

۷. کارل بروکلیمان (G. Brokelmann, ولادت: ۱۸۶۸). از مهم ترین تألیفات او «تاریخ الأدب العربی» است که شامل بسیاری از مسائل فقهی می شود؛ مثلاً درباره کتاب فقهی «ذبائح اهل الکتاب» از شیخ مفید، نوشته است، اما آن را اشتباه ترجمه کرده است.<sup>۴۳</sup>

۸. فریدریش کرن (Fr. Kern, ۱۸۷۴-۱۹۲۱). درباره مذهب امام شافعی و مذهب ابوحنیفه تحقیق کرده است.

۹. ماکس هورتن (M. Horten, ۱۸۷۴-۱۹۴۵). فقه در اسلام (۱۹۱۳) از آثار اوست.

۱۰. رودلف اشتروتمن (Rudolf Strothmann, ۱۸۷۷-۱۹۶۰). او تحقیقات متعددی در زمینه مذاهب فقهی اسلامی مانند: زیدیه، شیعه، اسماعیلیه و غیر اینها انجام داده که از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۵۲ به طول انجامیده

۴۳. تاریخ الادب العربی، بروکلن، ج ۱/۱۸۸، ج ۳/۳۵۰.

است. همچنین «فقه الزیدیه» یعنی فقه امام زید بن علی بن حسین را تألیف کرده است.

۱۱. برگستراسر (Bergstrasser, G, ۱۸۸۶-۱۹۴۲). وی احکام شریعت اسلامی را بر مذهب حنفی تصنیف کرده است. او در سال ۱۹۱۱ از دانشگاه لیبزیگ گواهی تدریس علوم اسلامی را دریافت کرد.

۱۲. هلموت ریتزر (Hellmut Ritter, ۱۸۹۲-۱۹۷۱). او در علوم اسلامی مشارکت بسیار چشمگیری داشته است و هیچ یک از شرق‌شناسان به سطح و مرتبه او نمی‌رسند. او همه علوم اسلامی را فرا گرفت.<sup>۴۴</sup>

۱۳. ژوزف شاخت (J. Shecht, ۱۹۰۲-۱۹۶۹). او کتاب‌های «الحیل و المخارج» خصاف، و «الحیل فی الفقه» ابوحاتم قزوینی، «الشفعة» طحاوی را منتشر و تاریخ فقه اسلامی را تألیف کرد. نکته مهم‌تر این‌که او در فقه اسلامی متخصص بود.

### شرق‌شناسان انگلیسی

شرق‌شناسی در انگلیس از زمان‌های بسیار دور و به ویژه در زمینه مطالعه در شریعت اسلامی و میراث عربی - اسلامی آغاز شده و مانند بیشتر مطالعات شرق‌شناسی در جهان، کینه‌توزانه و فاقد بینش علمی دقیق در طرح مسائل بوده است. بارزترین شرق‌شناسان انگلیسی عبارت‌اند از:

۱. سر ویلیام جونز (Sir William, Jones, ۱۷۴۶-۱۸۱۷). او چندین تألیف در زمینه شرع اسلام داشته است؛ از جمله: السراجیة فی علم الفرائض و الموارث الاسلامیة از سراج الدین السخاوی چاپ کلکته (۱۷۹۲)، اشراف بر ترجمه «شرایع الاسلام» اثر محقق حلی از فقهای امامیه، اشراف بر ترجمه «تحریر الاحکام» اثر علامه حلی از فقهای امامیه.

۴۴. ر. ک: مجله الاستشراق، گروهی از اساتید و محققان، شماره سوم/۱۶.

شرق‌شناسی در انگلیس از زمان‌های بسیار دور و به ویژه در زمینه مطالعه در شریعت اسلامی و میراث عربی - اسلامی آغاز شده و مانند بیشتر مطالعات شرق‌شناسی در جهان، کینه‌توزانه و فاقد بینش علمی دقیق در طرح مسائل بوده است.

۲. جان لوئیس برکهاردت (Burckhardt، ۱۷۸۴ - ۱۸۱۷). وی پس از شناخت دین اسلام، سخنرانی‌های متعددی درباره آن ایراد کرد.
۳. ویلیام هوک مرلی (W. H. Morley، ۱۸۱۵ - ۱۸۶۰). او درباره شریعت اسلامی و شریعت هندی تحقیق کرده است.
۴. فونس مینگنا (Mingana، ۱۸۸۱ - ۱۹۳۷). او موصلی الاصل است<sup>۴۵</sup> و درباره فقه زیدیه کتاب‌هایی نوشته است.
۵. استنلی تریتون (A. S. Tritton، ولادت ۱۸۸۱). او اهتمام خود را صرف فقه اسلامی (در عناوین مختلف) کرد.<sup>۴۶</sup>
۶. آلفرد گیلرن (A. Guillaume، ولادت: ۱۸۸۸). وی کتاب‌های «شریعت اسلامی» و «میراث اسلام» را (با همکاری آرنولد) تألیف کرد.<sup>۴۷</sup>
۷. ج. اربری (A. J. Arberry، ولادت: ۱۹۰۵). تألیفات متعددی درباره اسلام دارد؛ از جمله دیدگاه اسلام در مورد جنگ (ظاهراً منظور او جهاد

۴۵. ر. ک به المستشرقون، نجیب العقیقی، ج ۲/ ۵۱۵.

۴۶. همان، ج ۲/ ۵۳۸ - ۵۳۹.

۴۷. المستشرقون، نجیب العقیقی، ج ۲/ ۵۴۳.

اسلامی است) و میراث اسلام.

۸. لُرد استنلی آف الدرلی (Lord Stanley of Alderly). او کتاب

«شرح البزدوی علی الفقه الاکبر» را در لندن سال ۱۸۶۲ منتشر کرد.

۹. وود برچرد (W Brecherd). آثار او عبارت‌اند از: دلایلی روشن بر

سازگاری شریعت اسلامی با قواعد انسانی (اسکندریه، ۱۸۷۸)، اسلام و

اصلاح‌گری (۱۸۷۸)، و ترجمه مجموعه‌ای از سنت‌ها و آداب شیعیان (گویا

او بخشی از روایات امامیه را ترجمه کرده است).

۱۰. کانون ادوارد سل (GDE, Sell). آثار او: اسلام (۱۸۸۰)، و مباحثی

درباره اسلام (۱۹۰۱).

۱۱. ریچارد بل (R. Bell). آثار او عبارت‌اند از: عید قربان (۱۹۳۳)،

اذان اسلامی (۱۹۳۴)، «أذن فی الناس بالحج» (۱۹۳۷)، طلاق در اسلام

(۱۹۳۹).

۱۲. ج. ن. د. اندرسون (J. N. D. Anderson). آثار او: شریعت و

فقه اسلامی (۱۹۴۹)، فسخ عقد ازدواج بر مبنای مذهب حنفی (۱۹۵۰) (گویا

منظور او طلاق است)، و قتل در اسلام (۱۹۵۱). ۴۸

### شرق‌شناسان هلندی

هلندی‌ها قبل از آلمانی‌ها زبان عربی را فرا گرفتند و در آن تبحر یافتند و از

این راه با اسلام آشنا شدند. این برتری دلایل متعددی دارد که می‌توان آنها را در

موارد زیر خلاصه کرد:

۱. اختلافات دینی که منجر به خروج لوتر از مذهب کاتولیک شد. این

خروج که همه غرب را تحت تأثیر قرار داد، از واتیکان می‌خواست که به

آموزه‌های تورات بازگردد.

۲. تأسیس جمهوری ایالات متحده هلند.

۳. ارتباط سیاسی - تجاری هلندیان با عرب های مراکش، الجزایر، طرابلس، غرب و همچنین مسلمانان هند شرقی.

هنگامی که در سال ۱۸۹۵ قرار شد دایرة المعارف اسلامی تدوین شود، مجامع و مؤسسات علمی اقدام به کمک مالی به این پروژه کردند. «هوتسما» اشراف بر این پروژه را برعهده داشت و دانشمندان برجسته ای او را یاری می دادند. جلد اول این دایرة المعارف در سال ۱۹۱۳ و به زبان های فرانسوی، انگلیسی و آلمانی منتشر شد. در سال ۱۹۲۴ ونسنگ هلندی مسئولیت این پروژه را برعهده گرفت و چهار جلد دیگر از این مجموعه را تدوین کرد. همچنین معجم المفهرس الفاظ احادیث پیامبر (ص) تحت اشراف ونسنگ در سال ۱۹۲۷ تدوین شد.

برجسته ترین شرق شناسان هلندی عبارت اند از:

۱. وت (P. Y. veth، ۱۸۱۴ - ۱۸۹۹). او شریعت اسلامی و مبانی دینی و فقهی را مطالعه کرد.

۲. جوین بل (Juyn boll، ۱۸۲۰ - ۱۸۶۱). وی کتاب «التبیه فی الفقه الشافعی» اثر شیرازی را منتشر کرد.

۳. دیونگ (Deyong، ۱۸۳۰ - ۱۸۹۰). دیونگ کتاب «الزواج» یحیی بن آدم را منتشر کرد.

۴. میشل جان دوگوجه (M. J. Degoeje، ۱۸۳۶ - ۱۹۰۹). خلاصه ای از کتاب «الخراج» اثر قدامة بن جعفر را در سال ۱۸۹۱ منتشر ساخت.

۵. کریستین اسنوک هربرونجه (G. S. Hurbronje، ۱۸۵۷ - ۱۹۳۶). او در فهم فقه اسلامی معروف بود و مهم ترین آثار او عبارت اند از: حج در مکه (۱۸۸۵)، فقه اسلامی (۱۸۸۵)، قانون اسلامی (۱۸۹۸)، مجموعه مباحثی درباره اسلام و تاریخ و شریعت اسلامی.

۶. ونسینک (A. J. Wensinck، ۱۸۸۱ - ۱۹۳۹). او خدمات ارزشمند

و زیادی در زمینه شریعت اسلامی ارائه داد و می توان گفت بیش از سایر شرق شناسان فعالیت کرد. مهم ترین آثار او عبارت اند از: خمر در اسلام، مقالات بسیاری درباره غزالی، موضع پیامبر (ص) درباره یهودیان شهر مدینه (که موضوع رساله دکتری او در سال ۱۹۰۸ بود)، محمد (ص) و یهود (۱۹۱۱)، اسرائیلیات در اسلام (۱۹۱۳)، و تأثیر یهود در اصل شعائر اسلامی (۱۹۵۴).

۷. دریوز (Drews. G. Wy، ولادت: ۱۸۹۹). او در شریعت اسلامی تخصص پیدا کرد و استاد آن نامیده شد و کتابی در زمینه حج در سال ۱۹۳۰ تألیف کرد.

۸. منسینگ (Mensing I. R. M، ۱۹۰۱ - ۱۹۵۱). رساله دکتری او تحت عنوان «حدود در شریعت اسلامی بر مذهب حنبلی» بود.

۹. دوریز (Devries). آثار او عبارت اند از: اصول فقه شافعی، کتابات اسلامیة فی الیوم الاخر. ۴۹.

### شرق شناسان ایتالیایی

ایتالیا اولین کشور غربی است که با پدیده شرق شناسی آشنا شد؛ زیرا این کشور قبل از سایر کشورها با شرق ارتباط پیدا کرد و - پادشاهان ایران در برابر آنها ایستادگی می کردند - برخی از کتاب های مذاهب اسلامی مانند: شافعیه، مالکیه و حنبلیه<sup>۵۰</sup> در ایتالیا ترجمه شد.

مهم ترین شرق شناسان ایتالیایی عبارت اند از:

۱. اگتسیو گویدی (Lanagzio, Guidi، ۱۸۴۴ - ۱۹۳۵). جلد اول کتاب «المختصر» از خلیل بن اسحاق را در سال ۱۹۱۹ ترجمه کرد. گفتنی است فرزند او میکلنگو جویدی که در سال ۱۸۸۶ تولد یافت، در زمینه فقه

۴۹. همان / ۶۵۱.

۵۰. همان / ۱۵۲ - ۱۵۴.

اسلامی آثاری از خود به جا گذاشت.

۲. دیوید سانتلانا (D. Santillana، ۱۸۴۵ - ۱۹۳۱). آثار او عبارت‌اند از: وضع قوانین مدنی و تجاری بر مبنای قواعد شریعت (این کار او تقریباً نوعی تطبیق است)، شناخت گسترده و همه‌جانبه از مذهب مالکی و شافعی، ترجمه و شرح مجموعه احکام مذهب مالکیه که همان کتاب المختصر از خلیل بن اسحاق است. این کتاب در آفریقای شمالی رواج بسیاری داشت. کتاب فقه اسلامی مالکی و تطبیق آن با فقه مذهب شافعی، و تحقیق در زمینه فقه امام زید بن علی بن الحسین (ع). به علاوه، دانشگاه رم از او برای تدریس قانون اسلامی دعوت کرد؛ زیرا او در تدریس فقه اسلام شهرت داشت.

۳. کارلو آلفونسو نلیو (G. A. Nallino، ۱۸۷۲ - ۱۹۳۸). او در باره تأثیر شریعت اسلامی در اروپا دو کتاب نوشت: «تمدن اسلامی در اروپا در قرون وسطا» و «جهان اسلام و اروپا». <sup>۵۱</sup> همچنین کتاب ابن رشد را در زمینه فقه مالکی منتشر کرد.

۴. گریفینی (Griffini, Eugenio، ۱۸۸۷ - ۱۹۳۵). وی درباره فقه امام زید بن علی بن الحسین و چاپ آن تحقیق کرد و کتاب‌ها و تألیفاتی را در زمینه شریعت اسلامی نگاشت و اولین مجموعه مدون در فقه اسلامی (یعنی فقه زیدیه) را کشف کرد.

۵. مورینو (Martion Moreno، ولادت: ۱۸۹۲). او تحقیقی در فقه اباضیه (از خوارج) انجام داده و درباره سایر مذاهب فقهی نیز تألیفاتی داشته است.

۶. باسی (Bussi Emilio). کتاب‌های «شرط در شریعت اسلامی» و «بررسی تطبیقی فقه اسلامی» از وی است.

۷. دمیلیا (Demilia Antonio). آثار او: بررسی اختصاصی فقه اسلامی، و بررسی تطبیقی فقه اسلامی و قوانین موضوعه ایتالیا و انگلیس.

۵۱. مع المستشرقین الایطالیین، سوزان اسکندر / ۱۷.



## شرق شناسان دانمارکی

حرکت شرق شناسی در دانمارک، مربوط به عهد تورات و متأثر از کشور آلمان است. دولت دانمارک به پیروی از توجه دولت های بزرگ به شرق شناسی، به این پدیده رو آورد، اما این حرکت با کندی آغاز شد.

برجسته ترین شرق شناسان دانمارکی عبارت اند از:

۱. وان مهران (Van Mehron، ۱۸۲۴ - ۱۹۰۷). وی علوم اسلامی به ویژه فقه اسلامی را عمیقاً مورد مطالعه قرار داد.

۲. بوهل فرنفر (F. Buhl، ۱۸۵۰ - ۱۹۳۲). کتابی درباره تعالیم حضرت محمد(ص) دارد (منظور او تعالیم دین اسلام یعنی همان فقه اسلامی است).

۳. پیدرسن (J. Pedersen، ولادت: ۱۸۸۳). آثار او عبارت اند از: قسم در اسلام، بررسی موضوعات اسلامی و فقهی، و کتابی درباره همه ابعاد دین اسلام.

لیدریک برکهارد (J. L. Burckhard). وی کتابی درباره حج در اسلام دارد. این کتاب توصیفی است؛ زیرا او مکه و مدینه را زیارت کرده است. او همچنین به نشر کتاب های خود در لندن و آلمان در زمینه شریعت اسلامی پرداخت.

۵. گارستن نیبر (Garsten-Nibuhr). وی در سال ۱۷۶۱ به درخواست پادشاه دانمارک، به شبه جزیره عربستان سفر کرد تا به مطالعه اسلام بپردازد. ۵۲

## شرق شناسان اتریشی

شرق شناسی در اتریش به دلیل ارتباط این کشور با ترکیه، ابتدا جنبه سیاسی داشت. دولت ترکیه (عثمانی) در آن زمان دولتی بود که تعادل و توازن غرب در گرو ثبات و امنیت آن بود. این شرق شناسی سیاسی بعدها به



شرق شناسی علمی تبدیل شد. ۵۳

مهم ترین شرق شناسان اتریشی عبارت اند از:

۱. پدریان (Jahn، ۱۷۵۰ - ۱۸۱۶). آثار او عبارت اند از: سخنان پیامبر محمد (ص)، و اوقات نماز به زبان آلمانی.
۲. البارون کریمر (Kremer، ۱۸۲۸ - ۱۸۸۹). او الاحکام السلطانیة اثر ماوردی را ترجمه کرد.
۳. اسپرنگر (Sprenger، ۱۸۱۳ - ۱۸۹۳). وی تألیفات بسیاری درباره دین اسلام دارد؛ از جمله حدود در فقه، و کتابی در باره تعلیم حضرت محمد (ص).
۴. محمد اسد. وی در سال ۱۹۲۶ مسلمان شدن خود را اعلان کرد و خود را محمد اسد نامید و در کتابی تحت عنوان «به سوی مکه و اسلام بر سر دو راهی» به دفاع از دین اسلام پرداخت. ۵۴

### شرق شناسان آمریکایی

می توان گفت شرق شناسی در آمریکا حاصل تلاش و فعالیت دولت های همچون: فرانسه، هلند، آلمان و انگلیس در همه زمینه های سیاسی، دینی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی و غیر آن است. این امر به روشنی در اقدامات خصمانه این دولت کینه توز علیه اعراب و مسلمانان در تاریخ معاصر و به ویژه در سال های اخیر قابل مشاهده است. به عنوان مثال، انجمن شرق شناسی آمریکا در سال ۱۹۲۷ سمینار ویژه ای درباره اسلام برگزار کرد و پس از آن شرق شناسی به نام آدامز درباره رویکرد فکری در مصر و نیز دین تطبیقی در دانشگاه الازهر مطالبی نوشت. ۵۵

۵۳. المستشرقون، ج ۱ / ۱۶۵.

۵۴. المستشرقون و الاماکن المقدسه / ۱۵.

۵۵. تطور الاستشراق فی دراسة التراث العربی، عبد الجبار ناجی / ۵۶.

برجسته ترین شرق شناسان آمریکایی در زمینه فقهی عبارت اند از:

۱. دنکان بلک ماکدونالد (D. B. Macdonaldi، ۱۸۶۳ - ۱۹۴۳). او آثار فقهی متعددی دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از: مذاهب و نظام های فقهی (۱۹۰۳)، فقه اسلامی (۱۹۱۳)، تاریخ مطالعات فقهی در اسلام (۱۹۲۵)، و زمان در مکتب فقهی (۱۹۲۸).
۲. چارلز آدامز (H. Adams، ولادت: ۱۸۸۳). او در زمینه علوم اسلامی و نیز فقه تطبیقی در دانشگاه الازهر تألیفاتی دارد.<sup>۵۶</sup>
۳. جورج رنتز (G. S. Rentz، ولادت: ۱۹۱۲). وی تألیفات متعددی در فقه دارد که بیشتر آنها درباره و هابیت است. همچنین کتابی درباره اصول تاریخ و هابیت دارد.<sup>۵۷</sup>

### شرق شناسان مجارستانی

این گروه توجه خاصی به شرق داشتند و از ترجمه علوم عرب بهره بردند. قشر وسیعی از شرق شناسان مجارستان در زمینه های مختلف مشغول فعالیت بودند. آنان به ویژه در قرن هجدهم سفرهای متعددی به شرق داشتند و پس از اشغال مجارستان به وسیله حکومت عثمانی، به مطالعات شرق شناسی پرداختند. بارزترین چهره های آنها عبارت اند از:

۱. گلدزیهر (Gold seiher، ۱۸۵۰ - ۱۹۲۱). او آثار متعددی درباره اسلام و فقه اسلامی دارد. موضع او در برابر اسلام خصمانه و کینه توزانه است؛ زیرا او یهودی بود. رساله دکتری او تحت عنوان «تنخوم اورشلمی» بوده است. تألیفات او عبارت اند از: مقالاتی درباره فرقه ظاهریه و تاریخ آن (۱۸۸۴)، تقیه در اسلام (۱۹۰۶)، عقیده و شریعت در اسلام (پاریس ۱۹۲۰)، و فقه عربی (آیا این فقه عربی است یا اسلامی).

۵۶. المستشرقون، ج ۳/ ۹۲۲.

۵۷. همان، ج ۱/ ۱۷۵.

- نکته: هنگامی که مشغول مطالعه برای پایان نامه کارشناسی بودم، به تألیفات شیخ مفید از فقهای امامیه برخورددم. یکی از آنها کتاب «ذبائح اهل الکتاب» است که درباره حلال یا حرام بودن حیواناتی است که اهل کتاب ذبح می کنند. گلدزیهر عنوان این کتاب را «جنگ های یهود و مسیحیت» ترجمه کرده است. ۵۸
۲. سالمون اوسترن (S. Oszttern, ۱۸۷۹ - ۱۹۴۴). وی فقه اسلامی و جهاد، و آرای شریعت در قرآن را نگاهشته است.
۳. گرمانوس (J. Germanus, ولادت: ۱۸۸۴). او کتابی تحت عنوان «الله اکبر» درباره حج دارد.

### شرق شناسان اسپانیا

- کشور اسپانیا هفت قرن تحت حاکمیت اعراب بود و اندلس مرکز درخشش فکری امت عربی - اسلامی به شمار می رفت. از این رو، همه دانشگاه های اسپانیا امروزه گنجینه پربراری از میراث عربی اسلامی دارند و کتابخانه اسکوریال تنها یکی از نمونه های آن است.
- برجسته ترین شرق شناسان اسپانیا عبارت اند از:
۱. سانچز پرز (Sanchez Perez J. Aug, ۱۸۸۲ - ۱۹۵۸). پرز کتابی درباره تقسیم ارت در بین مسلمانان بر مذهب مالکی دارد.
۲. پدرو کارلوس گیروس (Guiros-Carlos, مرگ: ۱۹۶۰). حکم شرع درباره تملیک بر مذهب مالکی عنوان اثر اوست.
۳. اسقف لویز اورتیز (Lopez ortize, ولادت: ۱۸۹۸). آثار او عبارت اند از: فقهای مسلمین، قضات دادگاه های شرعی، فقه اسلامی در تحقیقات آلمانی، و فقه اسلامی در برشلونه (۱۹۳۲).

۵۸. پایان نامه کارشناسی، صاحب محمدحسین نصار، دانشکده علوم اسلامی بغداد/۱۷۱؛ العقیده و الشریعة، گلدزیهر/۳۵۳؛ تاریخ آداب العرب، بروکلن، ج ۱/۱۸۸.

### شرق‌شناسان چکسلواکی

شرق‌شناسان چکسلواکی گروهی از دانشمندان و محققان بودند که همه علوم شرقی به ویژه شریعت اسلامی را مورد مطالعه قرار دادند. این شرق‌شناسان که از نظر ژرف‌نگری و فراگیری همه علوم کم‌نظیر بودند، عبارت‌اند از:

۱. پاول کراوس (P. Kraus، ۱۹۰۴ - ۱۹۴۴). در زمینه علوم مربوط به شریعت اسلامی تدریس کرده و تألیفاتی داشته است.<sup>۵۹</sup>
۲. پولیوکوا (Polivkova Z، ولادت: ۱۹۲۵). وی متخصص در مطالعات اسلامی به ویژه در شریعت اسلامی بود.<sup>۶۰</sup>

### شرق‌شناسان روسیه

حرکت شرق‌شناسی در روسیه دو مرحله مهم را پشت سر گذاشته است: مرحله نخست قبل از انقلاب سال ۱۹۱۷ و مرحله دوم بعد از آن. شرق‌شناسی در مرحله اول فعال‌تر و بارزتر بود؛ زیرا در مرحله دوم مردم و دولت با حوادث و مشکلات مواجه بودند و از این رو، شرق‌شناسی پس از انقلاب سال ۱۹۱۷ در سطح دیگر دولت‌های غربی نبود.<sup>۶۱</sup> مهم‌ترین شرق‌شناسان روسی در زمینه فقه اسلامی عبارت‌اند از:

۱. گیرگاس (Girgass. W. O، ۱۸۳۴ - ۱۸۸۸). او درباره حقوق مسیحیان در کشورهای اسلامی تحقیق کرده است که شاید منظور او همان احکام اهل ذمه بوده است.
۲. اشمیت (A. Schmidt). وی کتاب «الخراج» از ابویوسف را ترجمه کرده است.

۵۹. المستشرقون، ج ۱/۱۹۳.

۶۰. همان، ج ۳/۳۳۸.

۶۱. الاستشراق السوفیاتی و التراث العربی، سهیل فرج/۹۱.

### شرق شناسان بلژیکی

شرق شناسی در بلژیک مراحل مهمی را پشت سر گذاشته است تا توانسته است جایگاه برجسته‌ای در علوم شرقی و به ویژه در زمینه فقه اسلامی به دست آورد. بارزترین شرق شناس بلژیکی ارمان آبل (A. Abel) است که مباحثی را در زمینه شریعت اسلامی تألیف کرده اند<sup>۶۲</sup>.

### شرق شناسان سوئیسی

دانشمندان و محققان سوئیسی فعالیت‌های بسیاری برای شناخت شرق به طور خاص و اسلام و عرب به طور ویژه داشته‌اند. مهم‌ترین آنها رودولف تشودی (R. Tschud، ولادت: ۱۸۸۴) است که «اسلام و جهاد» را در سال ۱۹۱۴ در هامبورگ تألیف کرد.<sup>۶۳</sup>

### مبحث دوم: بررسی فعالیت یکی از شرق شناسان

در این بخش فعالیت‌های نویل ج. کولسول شرق شناسی انگلیسی را بررسی می‌کنیم؛ زیرا او از برجسته‌ترین شرق شناسانی مطرح در زمینه فقه اسلامی است<sup>۶۴</sup>. او در دانشگاه لندن استاد قوانین شرقی<sup>۶۵</sup> (مرکز مطالعات شرقی آفریقایی) بود و کتاب‌های بسیاری در زمینه شریعت و فقه اسلامی تألیف کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. تاریخ قانون (= فقه) اسلامی (A history of Islamic law, 1964).

۶۲. الاستشراق، ج ۳ / ۱۰۳۱.

۶۳. همان / ۸۸۶.

۶۴. منهاج المستشرقین فی الدراسات العربیة الاسلامیة، گروهی از استادان و پژوهشگران، ج ۱ / ۲۵۴.

۶۵. در مطالعات وضعی و شرق شناسی، به فقه، قانون کشور گفته می‌شود.

۲. اختلاف آرا در فقه اسلامی (Conflicts and tehshion in Islamic Jurispudence, 1969).

۳. موفقیت و همبستگی خانواده در اسلام (Succession in the Muslim Family, 1971).

علاوه بر این تألیفات، مقالات و تحقیقات متعددی است که در نشریات حقوقی انگلیس و آمریکا و غیر آن چاپ می‌شد و شاید مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۴. فرد و دولت در فقه اسلامی (The state and the individual in Islamic law (international and comparative law Quarterly, jan. 1957.)).

۵. نظریه و عمل در فقه اسلامی که تحت عنوان «المشالية والواقعية فی الفقه الاسلامی»، به عربی ترجمه شده است. ۶۶

(Doctrin and practice in Islamic law, Bsoas, 1912).

او بیش از ربع قرن در دانشگاه لندن به تدریس فقه اسلامی مشغول بود. عواملی که سبب شد فعالیت کولسون را به عنوان نمونه بررسی کنیم، عبارت‌اند از:

۱. او در زمینه فقه اسلامی، چه در تدریس و چه در نوشتن کتاب، تخصص داشت و علاوه بر آن، استاد دانشگاه انگلیس بود.

۲. نگاه او به فقه اسلامی کاملاً متفاوت است با نگاه دیگر شرق‌شناسانی که فقه اسلامی را یک نظام کهنه و مندرس می‌دانند که مانند سایر نظام‌ها و قوانین با تحولات مطلوب زندگی همگام نبوده است.

۳. او فعالیت‌های علمی بسیاری در قالب تدریس، نوشتن کتاب، تحقیق و تطبیق بین قانون مدنی و فقه اسلامی داشته است.

برخی از شرق شناسان نااهل و کینه توز کوشیده اند تا به اختلافات فقهی مربوط به مذاهب مختلف دامن بزنند و آنها را عمیق و ریشه ای جلوه دهند که برای نمونه می توان به موضوع اهل ذمه و مسائل عبادی اشاره کرد. آنان به این نکته توجه نکرده اند که عظمت و تکامل شریعت اسلامی، مرهون اختلاف مجتهدان در سایه ادله شرعی مانند کتاب و سنت است.

۴. از آثار او چنین برمی آید که هدف او از شرق شناسی جنبه علمی آن بوده است، به خلاف بیشتر شرق شناسان که در خدمت سیاست و استعمار بوده اند یا از روی تعصب دینی و تبلیغی به این امر پرداخته اند<sup>۶۷</sup>. مسئله نظریه و عمل در فقه اسلامی که منظور از آن آرمان گرایی و واقع گرایی است، از مهم ترین ویژگی های منحصر به فرد شریعت اسلامی است. اما بیشتر شرق شناسان - اگر نگوییم همه آنها - این مسئله را درست درک نکرده اند و از این رو، در این زمینه به اشتباه افتاده اند؛ زیرا یکی از ویژگی های خاص احکام و قوانین اسلامی، این است که آسمانی و برگرفته از قرآن کریم (اولین منبع شریعت) است. این امر بحث و جدل های بسیاری را به دنبال داشته و برخی قائل شده اند که احکام شریعت برای اجرا شدن صلاحیت نداشتند. کولسون در یکی از کتاب های خود تحت عنوان *Conflicts and Tensions*، فصلی را به اختلاف بین آرمان گرایی و واقع گرایی اختصاص داده است.<sup>۶۸</sup>

۶۷. ر. ک: تحقیقی درباره کولسون اثر ادوارد سعید، و منهاج المستشرقین/ ۲۵۵.

۶۸. منهاج المستشرقین/ ۲۵۷. متأسفانه بعضی از استادان دانشگاه های مصر (به عنوان نمونه) در نوشته های خود این مسئله را به طور خاص تکرار کرده اند.

آرمان‌گرایی بدین معناست که احکام شرعی اسلام، انسان را به برتری یافتن از مرحله شهوت و غرایز سوق می‌دهد و عقل و عدالت را به جای هوا و هوس حکمفرما می‌کند. بنابراین احکام اسلامی در پی آن است که اگر نتواند انسان کامل تربیت کند، حداقل انسانی فاضل و وارسته پروراند و این همان معنای آرمان‌گرایی است.<sup>۶۹</sup>

اما واقع‌گرایی در فقه و به طور کلی در شریعت اسلامی، به این معنا نیست که فقه تابع خواست و میل مکلفین باشد و آنچه آنها دوست دارند، محقق سازد. چنین برداشتی را هیچ یک از نظام‌های حقوقی نمی‌پذیرد و هیچ قانون‌گذاری آن را عملی نمی‌داند. واقع‌گرایی در شریعت اسلامی به معنای تأمین مصالح مردم، برطرف کردن حرج و سختی از آنان و همچنین مکلف نکردن آنهاست به واجبات و اعمالی که از طاقتشان بیرون است: «خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی‌کند».<sup>۷۰</sup>

کتاب دیگر کولسون در تاریخ فقه اسلامی است (A history of Islamic law). قبل از بررسی این کتاب، باید دانست که منظور او از قانون اسلامی، همان فقه اسلامی است. وی در این کتاب می‌گوید:

قاعده قانونی در شریعت اسلامی با قواعد قانونی دیگر نظام‌های حقوقی از لحاظ شکل‌گیری آن، از دو بعد جزا (مجازات) و تکلیف هیچ تفاوتی ندارد.<sup>۷۱</sup>

در پاسخ باید گفت: یکی از اصول جزا در شریعت اسلامی، دو جنبه بودن آن است؛ در حالی که جزا در نظام‌های قرار دادی (بشری) یک جنبه است. از سوی دیگر، در شریعت اسلامی تکلیف باید برخاسته از فهم و درک

۶۹. بیشتر کشورهای اسلامی به نظام اسلامی-آرمانی عمل می‌کنند که از هر جهت کامل و متعالی است؛ زیرا خاستگاه آسمانی و الهی دارد.

۷۰. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۷۱. تاریخ الفقه الاسلامی، کولسون/۳۹.



ایمانی باشد و هیچ گمراهی یا اجباری در عمل به آن نیست. گویا کولسون این مسئله را درک نکرده و بین نظام‌های حقوقی آسمانی و قراردادی خلط کرده است. تناقضات دیگری نیز در عبارات او وجود دارد. او در جایی می‌گوید:

تعبیر قانونی شریعت اسلامی از هر گونه رویکرد واقع‌گرایانه که مناسب با نیازهای حقیقی جامعه باشد، بی‌بهره است.... احکام آرمانی شریعت اسلامی ناگزیر باید زمینه را برای احکامی که نیازهای عملی مردم را محقق می‌سازد، فراهم کند. چگونه می‌توان بین این دو قول سازگاری داد؟<sup>۷۲</sup>

او در باره نقش قرآن کریم در قانون‌گذاری در جایی می‌گوید:

در قرآن کریم، عناصر اساسی لازم برای هر رابطه قانونی به طور مبنایی ریشه‌یابی نشده است و این یک عیب در قانون‌گذاری قرآنی است که حتی قوانین الواح دوازده‌گانه روم قدیم نیز چنین عیبی ندارند.<sup>۷۳</sup>

در جای دیگر نیز می‌گوید:

قرآن هیچ قانون‌گذاری مستقیم و مشخصی برای مسلمانانی که می‌خواهند در رفتار و زندگی خود بر اساس معیارها و قواعد شرعی عمل کنند، ندارد.<sup>۷۴</sup>

او در ادامه در همان کتاب می‌افزاید:

قرآن کریم قاطعانه این مبنا را که خداوند متعال تنها منبع برای همه احکام است و فرمان او باید در همه عرصه‌های زندگی اطاعت شود، پایه‌گذاری کرده است.<sup>۷۵</sup>

۷۲. ر. ک: المثالیة و الواقعیة، مصطفی شلبی / ۴۲۸؛ تاریخ الفقه الاسلامی، کولسون / ۴۳.

۷۳. تاریخ الفقه الاسلامی، کولسون / ۴۳.

۷۴. همان / ۵۱.

۷۵. همان / ۵۶.

روشن است که کولسون در شناخت ماهیت آیات قرآنی به خطا رفته است؛ زیرا او معتقد است قرآن مجموعه‌ای از نصوص قانونی است و از این رو، وی می‌کوشد تا آنها را با دیگر متون قانونی تطبیق دهد. اشتباه او در همین نکته نهفته است؛ زیرا قرآن در وهله اول کتاب هدایت و معجزه جاویدان پیامبر است، نه کتاب قانون. از سوی دیگر، روشن است که فقه اسلامی یک نظام حقوقی است که ضمانت اجرای آن این است که بیانگر اراده خداوند است و این امر مترتب بر معنای کلمه «اسلام» است. اسلام یعنی تسلیم شدن کامل در برابر خداوند عز و جل؛ در حالی که کولسون فقه اسلامی را با همان شیوه‌ای که دیگر قوانین وضعی را مطالعه کرده، بررسی می‌کند. ۷۶

### نتیجه‌گیری

۱. مطالعات شرق‌شناسان مختص به یک جنبه خاص و نیز برخاسته از یک انگیزه و هدف مشخص نیست، بلکه بر اساس مقاصد و مصالحی که دنبال می‌کرده‌اند، متفاوت است.
۲. نباید فراموش کرد که شرق‌شناسان، شرق، اعراب و مسلمانان را برای رسیدن به اهداف و منابع خودشان مورد مطالعه قرار داده‌اند و این اهداف هر چه که باشد، در واقع در پی ایستادن در برابر اسلام به روش‌های گوناگون است.
۳. همه دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی را که درباره استشراق و مثبت یا منفی بودن آن ابراز شده است، می‌توان در دو نکته مهم خلاصه کرد:  
الف) خاستگاه اصلی پدیده شرق‌شناسی، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های تبلیغی و دینی است که از نظر مسلمانان حرکتی خرابکارانه است و به دنبال آسیب

رساندن به میراث فکری - فرهنگی اسلام است و خطرناک ترین نوع جنگ به شمار می آید.

ب) بیشتر شرق شناسان استاد یا محقق بوده اند که صرف نظر از اهداف متضادشان به دنبال بررسی و دقت در میراث اسلامی بوده اند و در برخی موارد هدفشان صرفاً علمی بوده است و به مطالعه، جمع آوری، تصحیح و فهرست بندی میراث اسلامی پرداخته اند.

۴. شرق شناسی نخستین عاملی است که موجب شد اهل کتاب و به ویژه مسیحیان در کتب مقدس خود و شیوه های تبلیغی دین مسیح تجدید نظر کنند و به شرح کتب دینی بپردازند. این به آن سبب بود که آنها تحت تأثیر عظمت قرآن و تحریف ناپذیری آن قرار گرفته بودند و این امر در جنبش اصلاح دینی مسیحی بیشتر نمود یافت. به نظر من مسیحیان احساس کردند در قبال کتاب مقدس خود کوتاهی کرده اند.

۵. بین تبلیغ مسیحیت و پدیده شرق شناسی تفاوت اساسی وجود دارد. تبلیغ به معنای ترویج آیین مسیحیت است؛ در حالی که شرق شناسی مطالعه مشرق زمین با اهداف سیاسی، استعماری، اقتصادی و... است؛ هر چند به دلیل نزدیک بودن اهداف و انگیزه های آن دو و نیز لزوم یادگیری زبان عربی (زبان اسلام و اعراب) در هر دو زمینه، بین آنها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

۶. برخی از شرق شناسان نااهل و کینه توز کوشیده اند تا به اختلافات فقهی مربوط به مذاهب مختلف دامن بزنند و آنها را عمیق و ریشه ای جلوه دهند که برای نمونه می توان به موضوع اهل ذمه و مسائل عبادی اشاره کرد. آنان به این نکته توجه نکرده اند که عظمت و تکامل شریعت اسلامی، موهون اختلاف مجتهدان در سایه ادله شرعی مانند کتاب و سنت است.

۷. فعالیت های شرق شناسی به طور کلی و فقه اسلامی به طور خاص، با روش های مختلفی بوده؛ مانند تحقیقات، مطالعات، سمینارها، چاپ نشریه ها و تألیفات.